

## A Critical Analysis of the Maria Dakake's Method in Understanding the Hadith of Ghadir

Mahyar Khani moghaddam\*

### Abstract

The present study, adopting a descriptive-analytical approach, looks at the second chapter of the book "The Charismatic Community: Shi'ite Identity in Early Islam", and criticizes the methodology of its author, Maria Dakake, in understanding the hadith of Ghadir. Her method of understanding has some strengths, including the effort to use reliable sources of the two sects in understanding the hadith of Ghadir, the attention given to the author of the book *Al-Walaya*, the emphasis on maintaining the integrity of the text of Ghadir hadith, the consideration of the role of social and religious requirements in quoting the narratives, and rational analysis in rejecting the meaning of love for Imam Ali (as). However, there are some weaknesses too, such as limiting the narrators of the hadith of Ghadir to civil people, lack of attention to the role of being executive in accepting the hadith, emphasis on the falsity of the hadiths containing the names of the Imams (as), and mistake in declaring the reason for issuing the hadith of Ghadir Khumm. The analysis of the drawbacks of Dakake's method of understanding indicates her inaccurate understanding of the hadith of Ghadir, which is not unaffected by Sunni views disseminated in the scientific space of orientalists.

**Keywords:** Succession to the Prophet (saw), Hadith of Ghadir, Hadith Understanding, Charismatic Community, Maria Massi Dakake.

---

\* Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Department of Guilan University, m.khani@guilan.ac.ir

Date received: 2020-05-05, Date of acceptance: 2020-06-01

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## واکاوی نقادانه روش ماریا دکاک در فهم حدیث غدیر

مهیار خانی مقدم\*

### چکیده

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی فصل دوم از کتاب «جامعه کارزماتي: هویت شیعه در صدر اسلام» و نقد روش مؤلفش، ماریا دکاک در فهم حدیث غدیر می‌پردازد. روش فهم وی دارای برخی نقاط قوت مانند اهتمام بر استفاده از منابع معتبر فریقین در فهم حدیث غدیر، دقت در مؤلف کتاب الولایه، تأکید بر حفظ یکپارچگی متن حدیث غدیر، عنایت بر نقش اقتضائات اجتماعی و مذهبی در نقل روایات و تحلیل عقلی در رد معنای محبت برای مولی است. البته نقاط ضعفی نیز وجود دارد؛ مانند منحصر کردن ناقلان و راویان حدیث غدیر به افراد مدنی، عدم عنایت بر نقش ضابط بودن در پذیرش حدیث، تأکید بر جعلی بودن احادیث حاوی نام امامان (ع) و اشتباه در اعلام سبب صدور حدیث غدیر خم. تحلیل آسیب‌های روش فهم دکاک بیانگر فهم نادقیق وی از حدیث غدیر است که بی‌تأثیر از نظرات اهل سنت که در فضای علمی خاورشناسان منتشر شده، نیست.

**کلیدواژه‌ها:** جانشینی پیامبر (ص)؛ حدیث غدیر؛ فهم حدیث؛ جامعه کارزماتیک؛ ماریا دکاک.

### ۱. طرح مسأله

از نکات مهم پیرامون امام علی(ع)، تحلیل آثار خاورشناسان بوده و بر این اساس، مسأله پژوهش حاضر، واکاوی نقادانه روش «ماریا دکاک» در فهم حدیث غدیر است. به‌رغم

\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه گیلان، m.khani@guilan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲

پیشینه قابل توجه خاورشناسان در اسلام پژوهی، شیعه پژوهی به عنوان رویکردی با سابقه‌های اندک (از نیمه دوم قرن نوزدهم) در میان آنها، رواج یافته و نسبت به روند مطالعه غربیان در مورد اسلام سنی، با تأخیر آغاز شد. این مسأله به طور عمده نه فقط بدلیل کمبود متون در دسترس، بلکه به دلیل سوءتفاهمی بود که عمده علمای مذهب تسنن نسبت به مذهب تشیع داشتند که این برداشت متفاوت اهل سنت، توسط محققان غربی نیز پذیرفته شد؛ بدین معنا که شیعه، یک گروه حداثی و فرعی و در مقام تعارض با جریان اصلی اسلام (اهل سنت) است (AmirMoezzi, 1997: 74) و این امر، انگیزه‌های خاورشناسان را برای پژوهش بیشتر، کاهش میداد.

آثار خاورشناسان درباره آموزه امامت، به انواع مختلفی نگارش یافته‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

۱. کتابهای مربوط به تاریخ تشیع؛ در آنها ضمن بررسی تاریخ، به زندگانی امامان (ع) پرداخته شده مانند «جانشینی محمد (ص)، مطالعاتی در مورد خلافت نخستین» (The Succession to Muhammad: A Study of the Early Caliphate) از ویلفرد مادلونگ (Wilferd Madelung)

۲. مدخلهای مربوط به امامان شیعه (ع) در دائرة المعارف اسلام لیدن (Encyclopedia of Islam)؛ مانند مقاله‌های وچیا والیبری (Veccia Vaglieri) پیرامون امام علی و حسنین (ع)  
 ۳. کتب و مقالات درباره زندگانی امامان شیعه (ع) و اندیشه امامت؛ مانند کتاب «راهنمای ربّانی در تشیع نخستین» (The Divine Guide in Early Shi'is) از محمدعلی امیرمعزی

۴. کتب و مقالات پیرامون مسائل مرتبط با امامان (ع) مانند مقاله‌های «امام و قوای بصری» (Vision and the Imams) و «اصطلاح محدث در شیعه اثناعشری» (The Term Muhaddath in Twelever Shiism) از اتان کلبرگ (Ethan Kohlberg)

از جمله مباحث اساسی پیرامون اسلام، بحث جانشینی پیامبر (ص) است و فرقه‌های اسلامی در این باره، اختلاف نظر دارند؛ شیعه، امام بلافصل پس از ایشان را حضرت علی (ع) میدانند (السیوری، ۱۴۱۲: ۸۷). خداوند به پیامبر (ص) دستور داد (مائده/۶۷) تا جانشین خویش را به صورت علنی معرفی کند تا نظام هدایت، حتی پس از فوت ایشان و انقطاع وحی الهی، استمرار یابد و تأکید فرمود که ایشان در صورت عدم ابلاغ امامت حضرت علی (ع)، رسالت خویش را به اتمام نرسانده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴۹/۶). آن

حضرت نیز این امر الهی را اجرا فرمود که این مهم به عنوان واقعه مشهور غدیر خم، از طریق روایان متعددی نقل گردید (امینی، ۱۳۹۷: ج ۱/۷۳-۱۴۷). خاورشناسان نیز پژوهشهایی را در این زمینه ارائه کرده‌اند که از میان آنها، پژوهش حاضر به کتاب «جامعه کاریزماتیک: هویت شیعه در دوران اولیه اسلام» تألیف دکاک می‌پردازد.

## ۲. پیشینه پژوهش

از جمله آثاری که ارتباط غیرمستقیمی به مسأله پژوهش دارند، به غیر از مقالات دیگر نگارنده مانند «واکاوی نقادانه روش خاورشناسان در فهم احادیث درباره آموزه امامت (مطالعه موردی کتاب راهنمای ربانی در تشیع نخستین)» و «واکاوی نقادانه روش مادلونگ در فهم گزارشهای پیرامون جانشینی پیامبر (ص)»، میتوان به مقالات «نقد امامشناسی مستشرقان با تأکید بر امامت حضرت علی علیه‌السلام» تألیف فاطمه علوی و «روششناسی خاورشناسان در برخورد با اصول و مبانی فکری و اعتقادی شیعه» تألیف محمدعلی چلوئگر اشاره کرد که به بیان کلیاتی از نقد محتوا و روشهای عمومی خاورشناسان پرداخته‌اند. از جمله آثار مرتبط که ارتباط مستقیمی به مسأله پژوهش دارند، مقاله «غدیر خم در آثار پژوهشی انگلیسی‌زبان غرب» تألیف محمدمقداد امیری است که برخی از مطالب خانم دکاک از نظر محتوا، مورد نقد قرار گرفته و در پایان نامه «ترجمه و نقد چهار فصل بخش سوم کتاب جامعه کاریزماتیک شیعه» تألیف امید هادیان نیز به مباحث دیگری از کتاب خانم دکاک مانند تطوّر و تکامل تشیع، نوع نگاه احادیث به زن و ایمان در مقابل اسلام پرداخته شده است. در مقاله «آخرین تحقیقات در تاریخ تشیع متقدم» تألیف رابرت گلیو نیز صرفاً در یک پاراگراف، رویکرد کلی خانم دکاک در کتاب مذکور، معرفی شده است. بدینرو، تاکنون اثر جامعی که ناظر به واکاوی روش دکاک در فهم روایات در اثر مذکور باشد، به زیور طبع آراسته نشده است.

## ۳. زیست شناخت «ماریا دکاک» و رویکرد وی به حدیث غدیر

ماریا ماسی دکاک (Maria Massi Dakake) متولد سال ۱۹۶۸ میلادی، اصالتاً اهل مراکش و مسیحی است. وی دکترایش را در سال ۲۰۰۰ میلادی با رساله دکتری «ولایت، محبت و ایمان، تعریف مرزهای جامعه شیعه متقدم» (Loyalty, Love And Faith: Defining The

دانشیار مطالعات ادیان در دانشگاه جرج مسون (ویرجینیا) است. تحقیقاتش پیرامون الهیات، فلسفه و عرفان اسلامی است و علاقه ویژه‌ای به عقاید موروثی مذهب شیعه و همچنین فرقه صوفیگری دارد (www.religious.gmu.edu/people/mdakakem).

از جمله آثار وی می‌توان به کتابهای «سلسله مراتب دانش در تفسیر ملاصدرا از اصول کافی» (Hierarchies of Knowing in Mulla Sadra's Commentary on the Usul al-Kafi) و «جامعه کاریزماتیک: هویت شیعه در دوران اولیه اسلام» (The Charismatic Community: Shi'ite Identity in Early Islam) اشاره کرد. تمرکز نگارنده در این پژوهش بر فصل دوم کتاب مذکور با عنوان «حدیث غدیرخم، ولایت و برتری معنوی علی بن ابی طالب [ع]» است. به نظر می‌رسد می‌توان این اثر را مفصلترین اثر انگلیسی‌زبان غربی در مورد غدیرخم دانست که به جنبه‌های مختلف آن پرداخته است (امیری، ۱۳۹۰، ص ۲۰۴). دلیل این ادعا، حجم گسترده تحلیل روایات و گزارشها و اهتمام نگارنده بر فهم جامع از حدیث غدیر است. در سایر پژوهشهای خاورشناسان پیرامون غدیر، یا مانند مدخل «غدیرخم» از لورا والیری (Laura Veccia Vaglieri) تأملی اندک نسبت به حدیث غدیر صورت پذیرفته یا مانند کتاب «جان‌شینی محمد (ص)، مطالعه‌ای در مورد خلافت نخستین» از ویلفرد مادلونگ، تلاش شایسته‌ای برای اشاره مستقیم و تحلیل حدیث غدیر، وجود ندارد.

روش تحقیق پژوهشگران غربی در مطالعه مباحث اسلامی (Nasr, 2002: viii) و امامتی (Refudeen, 1998: 63)، تاریخننگری (Historicism) و پدیدارشناسی (Phenomenology) بوده و دکاک نیز از این قاعده پیروی کرده است. وی در اکثر مطالب از روش تحقیقاتی «تاریخننگری» و موارد معدودی نیز از روش «پدیدارشناسانه» در تحلیل مطالب استفاده کرده و در تلاش است تا تحلیلهای مناسبی را برای فهم حدیث و واقعه غدیر ارائه کند، هرچند که برخی از شواهد وی، ناتمام و بی‌ارتباط است. محقق بر اساس روش تاریخننگری، هر پدیده را تنها ناظر به تکوین و تطور آن در بستر جریانهای تاریخی بررسی مینماید و بررسی پدیده‌ها را جدا از شرایط تاریخی آنها غیرممکن میدانند. هر اندیشه‌های هر چقدر هم که عمیق و ژرف باشد- نمیتواند از چارچوب زمان تحقق خود، فراتر رود (Hegel, 2001: 95).. چون مبنای این روش، تحلیل بر اساس معیارهای تجربی، تاریخی و مادی است و نقش عوامل ماورائی را نادیده میگیرد، از جمله نتایج استنباط آن، ادعاهایی چون ساختگی یا غیرمطابق با واقع بودن یا اغراق‌آمیز بودن است (امیری، ۱۳۹۰:

۱۹۲). در روش پدیدارشناسی، پژوهشگر تلاش میکند تا بدون دخالت دادن فرضیه‌ها و تحلیلها، صرفاً به جمع‌آوری و توصیف پدیده‌ها بپردازد (قراملکی، ۱۳۸۵: ۳۲۴). مبنای آن، بیان و توصیف آموزه‌های اعتقادی و نقش و کارکرد آنها در نظام اعتقادی یک دین یا یک مذهب است (امیری، ۱۹۲: ۱۳۹۰).

دکاک از نظر وقوع حادثه غدیر و سخنرانی پیامبر (ص) برای جمعی از مسلمانان، تردید را نمی‌پذیرد و حدیث غدیر را از نظر اعتبار، بدلیل شهرت در میان اهل سنت و شیعه، قابل اعتنا میداند و شاخصه بارز وی، انحصار روایان حدیث غدیر در مردم مدینه است. از نظر دلالت نیز بیشتر بر پنداره ارتباط محتوای آن با رفع ناراحتی برخی از مسلمانان از امام علی (ع) در سفر به یمن، گرایش دارد و ارتباط آن با جانشینی حضرت علی (ع) را نگاهی متأخر به ویژه توسط صوفیان شیعی میداند. وی معتقدست در دوران بنیامیه، این حدیث رواج بیشتری نسبت به دوران بنی عباس داشت زیرا رواج حدیث غدیر، موجب ترویج فضایل امام علی (ع) و در تضاد با منافع عباسیان بود.

#### ۴. روش دکاک در فهم حدیث غدیر

فهم حدیث تنها مبتنی بر متن حدیث نیست، بلکه آنچه در فهم حدیث، کارکرد مبنایی دارد، فرایندی است که مؤلفه‌های متعددی - مانند عنایت بر روایان و منابع حدیث، شناخت فضای صدور حدیث، عنایت بر آموزه‌های قرآنی مرتبط، توجه به احادیث مشابه و معارض و ... - در آن نقش‌آفرینی دارند که با عدم عنایت به موارد مذکور، پژوهشگر در به فهم ناقص یا منحرف از حدیث خواهد رسید. بر مبنای الگوی ترسیمی نگارنده جهت بررسی فرایند فهم روایات و گزارشها، روش دکاک در سه مرحله «دستیابی به حدیث صحیح»، «فهم متن حدیث» و «فهم مقصود حدیث» واکاوی میگردد.

#### ۱.۴ روش دکاک در دستیابی به حدیث صحیح

شاخصترین نقاط قوت و ضعف روش دکاک در دستیابی به حدیث صحیح بدین شرح است:

#### ۱.۱.۴ نقاط قوت روش دکاک در دستیابی به حدیث صحیح

نقاط قوت روش دکاک در دستیابی به حدیث صحیح بدین شرح است:

##### ۱.۱.۴.۱ اهتمام بر استفاده از منابع معتبر فریقین

ماریا دکاک در فصل دوم از کتاب خود از آثار معتبر شیعی مانند «الکافی» کلینی، «من لایحضره الفقیه»، «الامالی» شیخ صدوق، «وقعة صفین» نصر بن مزاحم و «الغدیر» علامه امینی و همچنین آثار معتبر اهل سنت مانند «صحیح مسلم»، «سنن» ترمذی، «مسند» احمد بن حنبل، «سیره» ابنه‌اشم و «شرحی بر نهج البلاغه» ابن ابی‌الحدید، بهره‌مند شد (Dakake, 2007, 256-260). برخلاف تعداد معتنابه خاورشناسان که برای پژوهش پیرامون غدیر، عموماً از منابع اهل سنت استفاده میکنند، دکاک از منابع شیعی نیز استفاده کرد. منظور از اعتبار منابع، مرجع بودن منابع، تأیید علم و دقت مؤلف و انتساب صحیح متن به مؤلف و استواری آن از نظر علمای هر یک از مذاهب برای خود است. البته دکاک از منابع دیگری مانند «تفسیر قمی»، «تفسیر فرات کوفی»، «تاریخ یعقوبی» «الاستیعاب» ابن عبدالبر، «تاریخ مدینه دمشق» ابن‌عساکر و «البدایه و النهایه» ابن‌کثیر نیز استفاده کرده که اعتبار برخی از این آثار از نگاه صاحبان مذاهب، محل بحث است.

##### ۲.۱.۴.۱ دقت در مؤلف کتاب الولایه

از جمله نکات مهم در روش دکاک، تلاش وی برای تشخیص دقیق مؤلف یکی از کتابهای مرتبط با مسأله غدیر، یعنی کتاب «الولایه» است. وی اختلاف بر سر کلمات بکار برده شده توسط پیامبر (ص) در غدیر خم و جایگزینی برخی از کلمات آن در نسخه‌های متفاوت را ناشی از گزارشهای مختلف طبری در کتاب «الولایه» یا «غدیر خم» میدانند. سپس در پاورقی، بحث قابل توجهی نسبت به مؤلف اصلی کتاب مذکور و مذهب وی، ارائه شده که بر اساس آن، به رغم ادعای الذریعه که این کتاب را تألیف محمد بن جریر طبری شیعی میدانند (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ج ۲۵/۱۶)، دکاک تأکید دارد مؤلف کتاب مذکور همان صاحب کتاب «تاریخ الامم و الملوک» است، زیرا ۱. ابن‌کثیر مدعی نقل قول وسیع از «کتاب الولایه» از طبری است و بطور خاص اشاره دارد که نویسنده آن کتاب، صاحب تاریخ است. ۲. فهرستگاران از دوره عباسی مانند ابن ندیم نیز نامی از این کتاب نبرده‌اند (Dakake, 2007, 39).



هنگامی که طبری دانست ابوبکر بن ابیداود سجستانی (م ۳۱۶ق) برای اثبات عدم صحت حدیث غدیر، ادعا کرده که امام علی (ع) در حجه‌الوداع حاضر نبوده، خشمگین شد و از آنجا که ویژگی بارز شخصیت وی، آزاداندیشی بود (نک: ابنقتیبه، ۱۴۱۲: ۷۷) به نگارش این رساله در اثبات صحت حدیث غدیر پرداخت (ابن حیون، ۱۴۰۹: ج ۱/۱۳۰-۱۳۲). گویا نام کتاب «الرد علی الحرقوصیه ذکر طرق خبر یوم الغدیر» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۲۲) بود که بعداً به دلیل محتوا، به کتاب الولایه مشهور شد (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۱۰۶).

#### ۳.۱.۱.۴ نقش تواتر حدیث در پذیرش آن

دکاک ضمن بررسی برخی از نکات سلبی مانند شیعی بودن منشأ حدیث غدیر به دلیل فقدان آن در آثار معتبر اهل سنت و نامناسب بودن پوشش آن در آثار اولیه تاریخ شیعه (Dakake, 2007: 35)، به این نکته اشاره میکند برغم آنکه معنا و اهمیت حدیث غدیر بطور قابل توجهی از منظر شیعه و اهل سنت متفاوت است، اما بطور گسترده‌ای توسط هر دو گروه به عنوان حدیثی معتبر، پذیرفته شده است (Ibid: p34). از نظر شیعه، حدیث غدیر دارای تواتر لفظی است (امینی، ۱۳۹۷: ج ۱/۸-۹) و در تواتر لفظی، خبرهای متعدد در مدلول مطابقی، اشتراک دارند (صدر، بیتا: ج ۱۴۲/۲). دکاک، حدیث غدیر را از نظر سندی و اعتبار صدور، به دلیل شهرت و تعدد نقل آن در منابع فریقین، مورد پذیرش میدانند که به نظر میرسد این نکته، اشاره بر نقش تواتر حدیث در پذیرش آن از منظر علمای مسلمان دارد.

#### ۴.۱.۱.۴ عنایت بر نقش اقتضائات اجتماعی و مذهبی در نقل روایات

دکاک معتقدست بسیاری از نویسندگان مانند طبری، ابن سعد، مسعودی و یعقوبی، روایاتی را از تاریخ نقل میکردند که به نفع بنی‌عباس بود. بدینرو، برغم تفاوت ایشان در طرفداری از شیعه یا اهل سنت، ممکن بود ایشان بر اثر فشارهای ایدئولوژیکی و اجتماعی آن زمان که ناظر به ترویج حقانیت بنی‌عباس بود، از بیان حدیث غدیر خم دریغ ورزیدند و یا نقش خود را در بیان آن به خوبی ایفا نکردند؛ زیرا روایاتی مانند حدیث غدیر، فقط به ترویج حقانیت علی (ع) میانجامد، نه حقانیت عموم طایفه بنی‌هاشم تا به نفع بنی‌عباس باشد (Dakake, 2007: 38). این نظر بیانگر آن است که علت عدم عنایت لازم به حدیث غدیر توسط مورخان مانند طبری، ابن سعد، مسعودی و یعقوبی، تبعیت آنها از فضای اجتماعی و مذهبی بود که حکومت عباسی علیه فضایل حضرت علی (ع) ایجاد کرده بود.

زیست بوم و شرایط اجتماعی و مذهبی که یک راوی در آن زندگی میکند، نقش مهمی در تعداد و محتوای روایاتی که نقل میکند، دارد.

#### ۲.۱.۴ نقاط ضعف روش دکاک در دستیابی به حدیث صحیح

نقاط ضعف روش دکاک در دستیابی به حدیث صحیح بدین شرح است:

##### ۱.۲.۱.۴ منحصراً کردن ناقلان و راویان حدیث غدیر به افراد مدنی

از جمله ادعاهای مهم دکاک، ادعای منحصراً بودن ناقلان و راویان حدیث غدیر در افراد شهر مدینه است. وی معتقدست حدیث غدیرخم بطور خاص توسط افرادی از اعضای جامعه اولیه اسلامی در مدینه، مورد تصدیق قرار گرفت و به جز گروه مذکور، حدیث غدیرخم تا زمان جنگ صفین - که دکاک از آن با عنوان نخستین جنگ داخلی یاد کرده است (Dakake, 2007: 34) - بطور گسترده‌ای شناخته نشده و یا به اطلاع عموم مردم، نرسیده بود (Dakake, 2007: 43-44). دکاک برای این ادعای خود، بدلائل عقلی و تاریخی استناد کرده که تبیین مختصر آنها بدین قرار است:

- پیامبر(ص) پس از اتمام حجه الوداع و ترک مکه و در مسیر بازگشت به مدینه در غدیرخم به بیان سخنان خود پرداخته‌اند. بدان معنا که احتمالاً مردم مکه و مردم قبایل ساکن در غیرمدینه در هنگام بیانات پیامبر(ص) در غدیرخم حضور نداشتند (Dakake, 2007: 43).

- بر اساس ادعای معاویه، مردم مکه نسبت به حدیث غدیرخم، بیاطلاع بودند. این ادعای معاویه در گفتگوی وی با سعد بن ابی وقاص و در هنگام خلیفه بودن معاویه پس از شهادت امام علی(ع) مطرح شد. سعد، معاویه را به دلیل مخالفت با رهبری حضرت علی(ع) سرزنش میکند و معاویه نیز خود را نسبت به ولایت علی(ع) بیاطلاع میدانند (بلاذری، ۱۴۰۷ق: ۹۳/۴). دکاک معتقدست بر اساس استدلال معاویه، وی برخلاف سعد، هیچ اطلاع قبلی از حدیث غدیر نداشت (Dakake, 2007: 42). در این گفتگو، سعد مورد توییح قرار میگیرد که با علم به برحق بودن علی(ع)، از وی حمایت نکرد اما خود معاویه بدلیل عدم اطلاع از واقعه غدیر و ولایت حضرت علی(ع)، مستحق سرزنش کمتری است.

- از دیگر شواهد، احتجاج حضرت علی(ع) در برابر شورای شش نفره تعیین خلیفه (Dakake, 2007: 41) است. حضرت علی(ع) برای استیفای حق خود درباره خلافت، این گونه در برابر اعضای شورای شش نفره پس از مرگ خلیفه دوم احتجاج فرمود:

شما را به خدا سوگند میدهم! آیا در میان شما، فردی به غیر از من وجود دارد که پیامبر(ص)، زمانی که عقد اخوت میان مسلمانان برقرار میکرد با او عقد برادری بسته باشد؟ گفتند: نه! آیا در میان شما فردی به غیر از من وجود دارد که پیامبر(ص) درباره او گفته باشد که هر کس من مولای اویم، علی[ع] مولای اوست؟ گفتند: نه! آیا در میان شما فردی به غیر از من وجود دارد که پیامبر(ص) در رابطه با او بگوید که مثل من با تو همانند مثل موسی(ع) و هارون(ع) است جز آنکه بعد از من پیامبری نمیآید؟ گفتند: نه!... (ابن ابیالحدید، ۱۴۰۴: ج ۱۶۷/۶)

همه اعضای شش نفره مذکور، اهل مدینه بودند پس ناقلان و آگاهان به حدیث غدیر، به افراد مدنی منحصر بود.

- در دیدار خصوصی حضرت علی(ع) با طلحه بن عبید، پیش از آغاز جنگ جمل، آن حضرت بخش آخر از سخنان پیامبر(ص) در غدیر خم را به یاد میآورد که بر اساس آن، پیامبر(ص) از خداوند میخواهد تا دوستان حضرت علی(ع) را دوست و دشمنان او را دشمن بدارد (مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۳۷۳/۲). در واقع حضرت علی(ع) با یادآوری حدیث غدیر، در صدد هشدار به طلحه بود تا او را از عاقبت شوم پافشاری بر شورش علیه آن حضرت، انذار دهد (Dakake, 2007: 43). با توجه به آنکه طلحه از اصحاب برجسته پیامبر(ص) در مدینه بود، این واقعه نیز قرینهای برای انحصار ناقلان حدیث غدیر به افراد مدنی است.

- حضرت علی(ع) در میدان کوفه در زمان خلافت خود، در مقابل جمعیت انبوهی، سخنرانی و درخواست کرد تا افرادی که در روز غدیر خم حضور داشتند و این جمله از پیامبر(ص) که «هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست» را شنیده است، نسبت به آن شهادت دهند و پای آن بایستند (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۲۳۰/۵). شاید این درخواست در پاسخ به گردنکشیهایی بود که در مورد حقانیت آن حضرت به عنوان خلیفه وجود داشت که تنها دوازده یا سیزده نفر - که تمامی آنان از نخستین

افراد جامعه اسلامی در مدینه و بر اساس برخی از گزارشها، از کسانی بودند که در جنگ بدر شرکت داشتند - خواسته ایشان را اجابت کردند (Dakake, 2007: 41).

- ابویوب انصاری و گروهی از انصار مدینه در کوفه به نزد علی (ع) می‌آیند و ایشان را با لفظ «مولا» خطاب میکنند (Dakake, 2007: 42). علی (ع) از این امر متعجب میشود و می‌پرسد که چگونه وی میتواند مولای ایشان باشد در حالی که آنها، مردم آزاد عرب هستند؟ آن افراد به حدیث غدیر و سخنان پیامبر (ص) استناد کردند که در آن بیان شده: «هر کس من مولای اویم، پس علی (ع) نیز مولای است» (ابن‌حنبل، ۱۴۲۱: ج ۴۱۹/۵).

برای بررسی شواهد دکاک با توجه به نگرش تاریخنگری، عنایت بر نکاتی، ضروریست:

۱. اگر منظور دکاک از نقل «به طور خاص توسط افرادی از اعضای جامعه اولیه اسلامی در مدینه»، آن باشد که مخاطب اصلی - و نه تنها مخاطبان - حدیث غدیر، مردم مدینه باشند، این سخن وی براساس شواهد تاریخی، قابل تأیید است. زیرا برغم آنکه برخی، با توجه به فاصله پنج کیلومتری مکان صدور حدیث غدیر تا منطقه «جحفه» - مکان جدا شدن راه مدینه، عراق و مصر (حموی، ۱۹۹۵: ج ۱۱۱/۲) - امکان حضور حجاج از سایر مناطق در کاروان پیامبر (ص) را منتفی نمیدانند، با تأملی در تاریخ فتح عراق (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۲۶۱/۲)، شام (بلاذری، ۱۴۰۷: ۱۲۹) و مصر (همان: ۲۱۰) بدست مسلمانان بعد از رحلت پیامبر (ص)، نمیتوان حضور مسلمانان آن نواحی را در حجه‌الوداع پذیرفت. ادعای حضور متعدد افراد مکی و یمنی در غدیر (حلبی ۱۴۲۷: ج ۲۸۳/۳) به دلیل فاصله ۱۸۰ کیلومتری غدیر خم تا مکه و همچنین مسیر بسیار طولانی و غیر معمولی که مردم یمن به جای جنوب مکه، از طریق حضور در غدیر باید طی میکردند، استبعاد عقلی دارد.

فارغ از آنکه زمان و مکان این اعلام پیامبر (ص) بر اساس فرمان الهی بوده (مائده/۶۷)، به نظر نگارنده از آنجا که اساس شکلگیری اسلام، شهر مدینه و مجاهدت جانی و مالی افراد حاضر در آن بود، بدیهی است که ایشان در مسأله جانشینی پیامبر (ص) مخاطبان اصلی باشند. زیرا مردم سایر مناطق، تازه اسلام آورده بودند و عموماً، ایمانشان فاقد عمق و تابع پذیرشهای قبیلهای بود و بر اساس گزارشهای تاریخی، بخش معتنابهی از تازه مسلمانان، بعد از رحلت پیامبر (ص) مرتد شدند (طبری، بیتا: ج ۶۱۱/۲). پیامبر (ص) پیش از این نیز به معرفی حضرت علی (ع) به عنوان جانشین خود اقدام فرمودند (همان: ج ۳۱۹/۲) اما با توجه

به اینکه ایشان در اواخر عمر خود بودند، در زمان حضور حداکثری مردم مدینه و اطراف آن در حج و درحالی که مردم بدلیل حضور در حجه‌الوداع، از شرایط معنوی برجستهای جهت پذیرش حق برخوردار بودند، بار دیگر مسأله جانشینی حضرت علی(ع) را مطرح و اخذ بیعت فرمودند.

۲. این ادعای دکاک که تا جنگ صفین، عموم مسلمانان از محتوای حدیث غدیر خبر نداشتند نیز قابل نقض است؛ پیامبر(ص) در سال دهم هجری، نمایندگانی را به سراسر بلاد اسلامی فرستادند و مردم را به حج دعوت کردند(نسائی، ۱۴۲۱: ج ۵۷/۴) و عده زیادی از همه مناطق مسلمانان، در مدینه جمع شدند(ابن‌اثیر، ۱۳۹۰: ج ۵۹/۳). پس از برگزاری حجه‌الوداع، پیامبر(ص) امر فرمود که ندا دهند تمامی مسلمانان بغیر افراد ناتوان، به سوی غدیر خم حرکت کنند(صدوق، ۱۳۶۷: ۳۵۵). بدینرو، نمیتوان تعداد فراوان افراد حاضر در غدیر خم - بالغ بر ده‌هزار(عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۳۳۲/۱) - را صرفاً ساکنان مدینه دانست، زیرا در آن سال، بیماری واگیردار حصبه در مدینه شایع شده بود(ابن حزم اندلسی، ۱۴۲۹: ج ۱۲۸/۱) و تنها پنج هزار نفر از مردم مدینه در حجه‌الوداع حاضر بودند(شعیری، بیتا: ۱۰). اتفاقات مراسم غدیر خم در گزارشهای تاریخی، که بیانگر حضور برجستگان صحابه در آن و بیعت آنان با امام علی(ع) است(الغزالی، ۱۴۲۴: ج ۱۸/۱) به گونهای بود که بطور طبیعی، بصورت خبری مهم در مناطق دنیای اسلام انتشار مییافت. طبیعی است که تعداد زیادی از حضار پس از بازگشت، جریان غدیر را بازگو کرده‌اند؛ مگر تعداد اندکی از حضار که بدلیل کینه، از بیان آن حقیقت، امتناع ورزیدند(امینی، ۱۳۹۷: ج ۱۴۴/۱). گروه زیادی از حاضران در واقعه غدیر از نقاط دوردست حجاز بودند و از آنان حدیثی نقل نشده است. گروهی از آنان نیز که این واقعه را نقل کرده‌اند که تاریخ موفق به درج آن نشده و اگر هم درج کرده، به دست نسلهای بعد نرسید. نقل حدیث غدیر توسط افراد غیرمدنی مانند عمرو ابن‌حمق خزاعی، ابوامامه صدی، عقبه بن عامر جهنی و... گزارش شده است(همان: ج ۳۴۰/۱).

۴. با بررسی استشهادات تاریخی دکاک، تأییدیه‌ای برای ادعای وی به دست نمی‌آید:

الف) دکاک برای اثبات عدم آگاهی مردم مکه از ماجرای غدیر خم به سخنان معاویه اشاره میکند در حالی که با اندکی مطالعه در تاریخ اسلام، مشخص میگردد که معاویه، از جمله سرسختترین دشمنان حضرت علی(ع) بود که برای نفی فضایل آن حضرت، از هیچ کوششی فروگذار نکرد(جاحظ، ۱۴۱۰: ۴۵۱) و منکر جانشینی حضرت علی(ع) بود. البته وی به صورت مبنایی مخالف اسلام بود و در تلاش بود تا نام پیامبر(ص) را به خاک

بسپارد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ج ۱۲۹/۵). جالب آنکه پس از بیعت مردم با ابوبکر، پدر معاویه - ابوسفیان - به حضرت علی (ع) - و نه سایر صحابه - پیشنهاد حمایت و بیعت می‌دهد تا با بیعت با حضرت، ابوبکر را از خلافت ساقط نماید (طبری، بی‌تا: ج ۲۳۷/۲) که این امر میتواند قرینهای بر اطلاع معاویه از مسأله جانشینی پیامبر (ص) باشد. همچنین برای معاویه به دلیل ارتباط خانوادگی با پیامبر (ص) و زیرکی که در کسب اخبار مهم اسلام داشت، عدم اطلاع از صدور حدیث مهمی چون غدیر و جانشینی حضرت علی (ع)، دور از ذهن است.

ب) بدیهی است که اگر حضرت علی (ع) در مدینه و در مقام احتجاج در مقابل شورای شش نفره و همچنین طلحه، حدیث غدیر را شاهی برای حق خود در ولایت و حکومت بر مردم بیان میدارد، توقع آن نیست که افرادی غیر از آن افراد مدنی، مورد خطاب حضرت قرار گیرند و اقرار نمایند. استشهد به آن دو واقعه برای تأیید عدم اطلاع مردم غیرمدینه از حدیث غدیر، ناکافی و غیرمرتبط است.

ج) حضرت علی (ع) پس از ورود به کوفه، از اصحاب پیامبر (ص) که خود در غدیر خم بودند، درخواست نمود تا واقعه را آن‌گونه که شنیده و دیده بودند، بیان کنند تا با اثبات حدیث غدیر ناظر به مشروعیت حق الهی حضرت علی (ع)، ذهن مردم را که مملو از تفسیر حکومتی خلفای سه‌گانه از حدیث غدیر بود، اصلاح کند. در آن جمع، اصحاب پیامبر (ص) که اکثر آنها اهل مدینه بودند، وجود داشتند و اعتراف کردند. باید توجه داشت: یک؛ هدف حضرت علی (ع)، اقرار از افراد حاضر در غدیر خم بود و این امر نمیتواند نافی این نکته باشد که افراد حاضر در میدان کوفه به طور غیرمستقیم، حدیث غدیر را شنیده بودند. دو؛ شهر کوفه به دستور عمر بن خطاب به عنوان شهری برای اسکان مسلمانان انتخاب شد (دینوری، ۱۳۷۳: ۱۲۳-۱۲۴)؛ از یک سو، توقع حضور حجاج کوفی در زمان پیامبر (ص) در غدیر خم، وجود ندارد و از سوی دیگر، تأملی در اسامی افراد گواهی دهنده بر روز غدیر در رحبه کوفه مانند ابوزینب بن عوف انصاری، ابوعمره بن عمرو بن محسن انصاری، ابوفضاله انصاری، ابوقدومه انصاری و... (امینی، ۱۳۹۷: ج ۳۴۰/۱) تأیید مینماید که برخی از افراد ساکن در کوفه، پیشتر از سمت مدینه در حجه الوداع و غدیر خم، حضور داشته‌اند.

۴. به نظر میرسد تلاش دکاک برای انحصار مخاطبان و ناقلان حدیث غدیر در افراد مدنی، کاهش اهمیت رویکردی حدیث به جانشینی امام علی (ع) باشد زیرا در این صورت، نگرش وی برای ارتباط صدور حدیث مذکور با ناراحتی برخی از افراد سپاه یمن از امام

علی(ع)، وجهی پیدا خواهد کرد. گزارشهای تاریخی فریقین، هرگونه دلیل قطعی را مبنی بر حضور انحصاری مردم مدینه در غدیرخیم، نفی میکنند و این امر به خوبی در بخش دیگری از مطالب دکاک بیان شده است. وی با نقض ادعای اولیه، با لحنی محتاطانه بیان میدارد که شاید مسلمانان مقیم مکه و بسیاری از مسلمانانی که از قبایل غیرساکن در مدینه بودند، در اعلان رسمی حدیث غدیرخیم، حضور داشتند (Dakake, 2007: 43). البته این نکته را به لحاظ تاریخی در حوزهٔ نقل حدیث نباید از نظر دور داشت که مسألهٔ نقل بومی (با محوریت بوم مدینه) در سدهٔ نخست، چشمگیرتر و تلاشهای بعدی راویان، برای فراپومی کردن نقل حدیث (نه صرف حدیث غدیر) است.

#### ۲.۲.۱.۴ عدم عنایت بر نقش ضابط بودن در پذیرش حدیث

دکاک به نقل از کتاب «صحیح مسلم» یک نسخهٔ متفاوت از حدیث غدیر را ذکر کرده که قابل تأمل است. در این حدیث، سه نفر نزد زید بن ارقم - یکی از افراد حاضر در غدیرخیم - میروند تا از آنچه که پیامبر(ص) فرموده، آگاهی یابند. زید در ابتدا از خود سلب مسئولیت میکند و میگوید شاید برخی از سخنان پیامبر(ص) را فراموش کرده، مخاطبان اصرار میکنند که هرچه را او بگوید، قبول میکنند. زید، سخنان پیامبر(ص) در غدیرخیم را بدینترتیب نقل میکند: «من شما را ترک میگویم در حالی که دو چیز گرانبها (تقلین) را در میان شما میگزارم: اول؛ کتاب خدا که در آن نور است و باید آن را حفظ کرده و به آن وابسته باشید. دوم؛ اهل بیت من و سه بار فرمود: من را از طریق احترام به اهل بیت من، گرامی خواهید داشت.» سپس زید در ادامه تأکید کرد که مراد از اهل بیت، خاندان علی، خاندان عقیل، خاندان جعفر بن ابیطالب، خاندان عباس بن عبدالمطلب هستند (Dakake, 2007: 39-40).

دکاک با استناد به نقل مذکور، درصدد القای تفاوت‌های متون نقل شده در حدیث غدیر و خدشه بر دلالت آن است. با توجه به ادعان «زید بن ارقم» به فراموشی و از آنجا که یکی از شرایط پذیرش حدیث، اثبات ضابط بودن و عدم نسیان وی (شاهد ثانی، ۱۳۶۴: ج ۱/۱۰۴) است - بدین معنا که حدیث را همانگونه که دریافت کرده و شنیده، به دیگران انتقال دهد - بدیهی است که پذیرش حدیث مذکور، دشوار است. قرینهٔ این مطلب، آن که حدیثی که زید در خصوص غدیرخیم بیان کرد، حدیثی شاذ بوده (امینی، ۱۳۹۷: ج ۱/۷۳-۱۴۷) و توسط راوی معتبر دیگری نیز بدینگونه نقل نشده است.

#### ۳.۲.۱.۴ تأکید بر جعلی بودن احادیث حاوی نام امامان(ع)

دکاک در بخشی از مطالب خود تأکید دارد هر حدیثی را که مدعی باشد نام تمام دوازده امام توسط پیامبر(ص) تعیین شده است، میتوان ساختگی در نظر گرفت. زمان جعل آن نیز در اوایل قرن چهارم است؛ زیرا در آن زمان، معتبرترین علمای امامیه، هم نظر شدند که خط سیری نسبت به جانشینی پیامبر(ص) وجود داشته است و در انتهای آن، به غیبت امام زمان(ع) نیز اشاره شد(Dakake, 2007: 47). در بررسی این نظر باید تصریح داشت:

۱- اگر منظور وی آن است که نام امامان(ع) در حدیث غدیر نبوده و بعداً به آن اضافه شده است، این سخن صحیح است. البته هیچ گونه مستند معتبری برای این ادعا که نام امامان(ع) در حدیث غدیر بیان شده، وجود ندارد و نمیتوان در هیچ یک از آثار معتبر شیعی، نمونه‌های از حدیث غدیر را مشاهده نمود که نام تمام امامان(ع) در آن ذکر شده باشد.

۲- اگر منظور دکاک آن است که هیچ حدیث معتبری از پیامبر(ص) وجود ندارد که به نام امامان(ع) اشاره کرده باشد، علاوه بر منابع معتبر شیعی(کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱/۲۸۳-۲۹۱)، سخنان پیامبر(ص) به صورت معتنابه در کتابهای معتبر اهل سنت، بر وجود دوازده جانشین برای ایشان از قریش(مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲: ج ۱۸۶/۱۲) تأکید دارد. این دسته از احادیث، حتی برخی از علمای اهل سنت را برای تطبیق آن بر برخی از خلفا، دچار تحیر کرد. علاوه بر آن، در برخی از روایات موجود در کتب اهل سنت، به اسامی دوازده امام شیعه(حموی جوینی، ۱۳۹۸: ج ۳۱۳/۲؛ قندوزی حنفی، ۱۴۱۶: ج ۲۹۱/۳) تصریح شده که این امر، بر همان مبنای دکاک در خصوص نقش شرایط اجتماعی و مذهبی در نقل روایات (Dakake, 2007: 38)، توسط حاکمان اموی و عباسی، رواج گسترده‌ای در کتب اهل سنت ندارد، زیرا بیانگر فضایل و حق الهی اهل بیت(ع) در خلافت بر مردم و نفی حکومت غاصبان است. همچنین میتوان از جمله دلایل زندانی کردن امامان(ع)-حتی امامانی که در ظاهر به فعالیت سیاسی رسمی علیه حکومت نمیرداختند- و کنترل رفت و آمدهای ایشان و عتاب و مؤاخذهی افرادی که با ایشان مرادده داشتند(فضلالله، ۱۳۸۲: ۱۸۷-۱۸۶) و حصر و مشقتهای فراوان بر شیعیان(سلیم بن قیس، ۴۵۷: ۱۴۰۵-۴۵۸) را معرفی امامان(ع) توسط پیامبر(ص) و شناخت اجمالی از ایشان در میان حکومت و مردم دانست.



#### ۴.۲.۱.۴ انصراف مفهوم ولایت حضرت علی(ع) از حدیث غدیر به منابع متأخر

##### صوفیان

دکاک ضمن تأکید بر شهرت حدیث غدیر در مجموع منابع اولیهٔ شیعه و اهل سنت، تصریح دارد که ایجاد یک ارتباط منحصر به فرد میان مفهوم ولایت و حضرت علی(ع) یک بازی استادانهای است که در منابع متأخر صوفی شیعی منتقل شده است (Dakake, 2007: 47). به نظر میرسد دکاک با ایجاد یک ارتباط منحصر به فرد میان مفهوم ولایت و حضرت علی(ع) در منابع متأخر صوفی شیعی، درصدد القای این مطلب است که برخی از منابع صوفی شیعی، با وضع مطالبی پیرامون واقعهٔ غدیرخیم، درصدد القای این مطلب بودند که مفهوم ولایت، تنها دربارهٔ حضرت علی(ع) صادق است.

در بررسی این ادعا، دقت در چند نکته رهگشا است: ۱. دکاک، شواهدی برای این ادعای خود ارائه نداد. ۲. آیا این بحث فقط توسط صوفیان مطرح شده است؟ در حالی که قراین داخلی و خارجی حدیث بر ولایت حضرت علی(ع) دلالت دارد که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد. ۳. مهمترین مستمسک افرادی که قائل به عدم ارتباط حدیث غدیر با ولایت حضرت علی(ع) هستند، داستان یمن است که در ادامه بررسی خواهد شد.

#### ۲.۴ روش دکاک در فهم متن حدیث

نقاط قوت و ضعف روش دکاک در فهم متن حدیث بدین قرار است:

##### ۱.۲.۴ نقطهٔ قوت روش دکاک در فهم متن حدیث

برجسته‌ترین نقطهٔ قوت روش دکاک، تأکید بر عدم ورود معنای ارث بر واژهٔ مولی است. دکاک اشاره میکند که در بافت قبیل‌های عرب نیز معنای وراثت در خصوص واژهٔ مولی استعمال نشده است (Dakake, 2007: 46). در تکمیل سخنان دکاک باید اذعان داشت علاوه بر آن که ذکر معنای وراثت برای واژهٔ مولی در هیچ کتاب معتبر لغوی عرب نیامده است (مانند: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۶۵-۳۷۰)، شاعران معاصر با واقعهٔ غدیر نیز هرگز واژهٔ «مولی» را در چنین معانی به کار نبرده‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۲۲) و باید از احتمال‌های نادر و بدون استشهاد یا استشهاد به کاربردهای رایج در قرون متأخر در خصوص معنای واژهٔ مولی، پرهیز نمود (نظری توکلی، ۱۴۸: ۱۳۸۶-۱۴۹). برای انتساب یک معنا برای واژه‌های، باید

مستندات مشخصی از کتب معتبر متقدم وجود داشته باشد که این اصل مورد توجه دکاک واقع شد.

#### ۲.۲.۴ نقطه ضعف روش دکاک در فهم متن حدیث

برجسته‌ترین نقطه ضعف روش دکاک در فهم حدیث غدیر، در عدم تبیین صحیح واژه مولی و نقش آن در فهم حدیث مذکور دانست. نوعی از سردرگمی در این زمینه وجود دارد که به نظر میرسد از تشکیکها و معناهای انحرافی که برخی از اهل سنت از معنای مولی ارائه کرده‌اند، نشأت میگیرد. دکاک، شیخ مفید را اولین فردی دانسته که واژه مولی را به معنای امام گرفته‌اند (Dakake, 2007: 46). این نوع از استنباطها، زمینه استدلال برای وقوع تحریف معنایی در حدیث غدیر را تسهیل کرده است. برای بررسی دقیقتر معنای واژه مولی باید بر اساس نظر لغتشناسان و تحلیل علمای شیعه و اهل سنت در این زمینه، اظهار نظر کرد:

۱. به نظر میرسد دکاک با مطرح کردن ادعای خود درباره شیخ مفید، در صدد القای آن است که از قرن چهارم، شیعه به دلیل وجود عالمان توانمند، به تفسیر و تغییر حدیث غدیر برای اثبات حق ولایت علی (ع) پرداخت. از نظر لغوی، یکی از معانی واژه «امام» از ریشه «امم»، تربیت و اصلاح دیگران است (راغب اصفهانی، ۱۹۱: ۱۴۱۲) که کاملاً با معنای برجسته واژه «مولی» که ناظر به سرپرستی و تصرف امور دیگران است، انطباق دارد. پس شیخ مفید، مفهوم تازه‌ای بر مفهوم لغوی «مولی» نیفزوده تا شیعه از آن به نفع خود استفاده کند، بلکه مفهوم برجسته آن را بازخوانی کرده است.

۲. لزومی ندارد که به جای «مولی» یا «ولی» در حدیث غدیر، کلمه «امام» بکار رود تا در این صورت، حدیث غدیر بتواند اندیشه امامیه در رابطه با امامت امام علی (ع) را تأمین کند؛ زیرا از نظر شیعه، امامت امامان (ع) به نص و تعیین از طرف خداست. مادلونگ با توجه به همین نکته در مدخل امامت در دایرة المعارف اسلام در بیان اعتقاد امامیه (اثنا عشری) در مورد امامت، اشاره دارد: امام باید توسط خداوند از طریق پیامبر [ص] یا امام دیگر، برگزیده و تعیین شود و علی [ع] با تعیین صریح پیامبر [ص] نص جلی) به عنوان امام پس از او تعیین شد (Madelung, 1986, "Imāma").

۳. برخی از اهل سنت معتقدند که منظور از «مولی» در حدیث غدیر، محبت و دوستی است (هیثمی، ۱۴۰۴: ج ۹/۲۰؛ دهلوی، ۱۳۷۳/۱۵۹)؛ اما در مقابل، برخی از علمای اهل

سنت بر این نکته تأکید دارند که منظور از «مولی»، سرپرست و اولی بالامور است (غزالی، بی‌تا: ۴۵۳؛ نصیبی، ۱۴۱۹: ۴۵).

۴. لغتشناسان هر دو واژه «مولی» و «ولی» را دارای یک ریشه و معنای ریشه آن را «قرار گرفتن چیزی در وراء چیز دیگری» به همراه وجود رابطه در میان آنها میدانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۵). بر این اساس، سایر معانی مانند برده (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۸/۳۶۵)، دوستی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۵) و مالک اشیاء (ابن‌منظور، ۱۴۰۴: ج ۶/۴۰۶) از آن برداشت میشود. علامه امینی در یک تتبع در منابع عربی، ۲۷ معنا را برای «ولی» شامل بر رب (پروردگار)، عمو، عموزاده، فرزند پسر، پسر خواهر، آزادکننده برده، برده آزادشده، برده، مالک، پیرو، نعمتگیرنده، شریک، هم‌قسم، همراه، همسایه، مهمان، داماد، خویشاوندان نزدیک، ولینعت، همپیمان، سرپرست، الاولی بالشیء (سزاوارتر به امور)، سید، محب، یاور، تصرفکننده در امور و متولی امور، برشمرده است. در تحلیل این معانی، به غیر از معنای اولی که انتساب آن به حضرت علی (ع) کفر محسوب میشود، برخی از معانی ذکر شده مانند عمو، فرزند پسر، پسرخواهر و برده آزاد شده، مستلزم دروغ بوده، چون بدیهی است که نسبت پیامبر (ص) با حضرت علی (ع) شامل موارد مذکور نیست. برخی دیگر مانند همسایه، مهمان، داماد، خویشاوند نزدیک و عموزاده نیز به دلیل سخیف بودن آن بر اساس قراین حدیث غدیر، ورود معنایی ندارند، زیرا دور از عقل است که پیامبر (ص) آن همه مردم را در آن شرایط گرمای طاقت فرسا (طبرانی، بی‌تا: ج ۵/۱۷۱)، جمع کرده و این معانی بدیهی را بیان کند. اما معنای اصلی آن، همان «اولی به امور» بوده و برخی از معانی دیگر مانند سید و متولی امور نیز به عنوان معانی مصادیق آن بشمار میروند (ر.ک: امینی، ۱۳۹۷: ج ۱/۶۴۱-۶۴۲).

۵. با توجه به تعریف اصطلاحی امام از منظر شیعه امامیه، میتوان امام را به عنوان یکی از مصادیق معنایی واژه ولی - تصرف و اولی بودن در امور - در نظر گرفت. به رغم آنکه برخی از علمای اهل سنت، معانی متعددی را برای واژه «مولی» بیان کرده‌اند، با تتبعی در سیاق درونی و بیرونی حدیث غدیر از جمله عرض تبریک به حضرت علی (ع) و بیعت با ایشان (غزالی، ۱۴۲۴: ج ۱/۱۸۱)، منطقیترین مفهوم برای واژه «مولی» براساس سیاقها، همان سرپرستی و اولی بالامور بودن است.

دکاک اهتمام خود را به بررسی انواع نسخه‌های حدیث غدیر و نگرش شیعه و اهل سنت نسبت به زمینه‌های صدور حدیث گذاشته و به نظر میرسد، به جزء اشاراتی نسبت به

واژه مولی - که بیشتر اشاره شد - در خصوص ترکیبات حدیث غدیر، بحث و تحلیلی ارائه نمیدهد.

### ۳.۴ روش دکاک در فهم مقصود حدیث

نقاط قوت و ضعف روش دکاک در فهم مقصود حدیث بدین قرار است:

#### ۱.۳.۴ نقاط قوت روش دکاک در فهم مقصود حدیث

نقاط قوت روش دکاک در فهم مقصود حدیث بدین قرار است:

##### ۱.۱.۳.۴ عنایت به رابطه آیات قرآن و حدیث غدیر

دکاک در تحلیل متن حدیث غدیر در بخش ابتدایی آن، که پیامبر(ص) از مخاطبان خود اقرار میگیرد: «آیا من از مؤمنان به خودشان اولی نیست؟ آیا همسران من، مادران مؤمنان نیستند؟» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱/۲۹۵) این فراز از حدیث غدیر را برگرفته از آیه ۶ سوره مبارکه احزاب: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ...» دانسته، تأکید میکند در برابر مسئولیت پدران پیامبر(ص) نسبت به پیروانش، از پیروانش نیز انتظار میرود که نسبت به فرزندان پیامبر(ص)، با تقوا و صمیمیت رفتار کنند تا مسئولیت آنها را به سمت پدران خود، نشان دهند (Dakake, 2007: 34). بر اساس آموزه‌های قرآنی «ما آتاكمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...» (حشر/۷)، پشتوانه حجیت سنت پیامبر(ص)، قرآن است و در احادیث نبوی(ص) (حمیری، ۱۴۱۳: ۹۲) و اهل بیت(ع) (صدوق، ۱۳۷۶: ۳۶۷) نیز بر این نکته تأکید شده که تطبیق احادیث بر قرآن، در سنجش و فهم احادیث، مبنایی است.

##### ۲.۱.۳.۴ تحلیل عقلی در ردّ معنای محبت برای مولی

دکاک با اشاره به نظر علامه امینی، تصریح دارد که تبیین معنای مولا به معنای محبت، عقلانی نیست. اینکه پیامبر(ص) هزاران نفر را در گرمای طاقتفرسای آن روز برای سخنان خویش جمع کند، نشان میدهد که ایشان قصد داشتند نکته مهمی را در خصوص حضرت علی(ع) بیان نمایند (Dakake, 2007: 47). بر اساس این دیدگاه، در نظر گرفتن معنای محبت یا دوستی برای واژه مولی با توجه به فراخوان آن تعداد فراوان از مسلمانان را در آن گرمای طاقت‌فرسا (طبرانی، بی‌تا: ج ۱۷۱/۵)، غیرعقلانه است.

### ۲.۳.۴ نقطه ضعف روش دکاک در فهم مقصود حدیث

نقطه ضعف شاخص روش دکاک، اشتباه در اعلام سبب صدور حدیث غدیر خم است. وی معتقدست سخنان پیامبر(ص) در غدیر خم و در حضور حاجیان به خاطر رفع کدورتی بود که افراد سپاه اسلام در یمن از حضرت علی(ع) به دل گرفته و به پیامبر(ص)، شکایت آورده بودند. بهانه آنها، عدم رعایت عدالت در تقسیم غنایم توسط حضرت علی(ع) بود و پیامبر(ص) نیز به منظور پایان دادن به تمامی این اتهامها، حدیث غدیر را بیان فرمود که این امر در عموم منابع اهل سنت در مقام بیان سبب صدور حدیث غدیر آمده است (Dakake, 2007: 38). در نقد این نظر، عنایت بر سه نکته، رهگشاست:

۱. بر اساس تتبع نگارنده در کتب اهل سنت، اولین کسانی که شبهه ارتباط میان ناراحتی اصحاب از امام علی(ع) در سفر به یمن و صدور حدیث غدیر را مطرح کردند، «بیهقی» (بیهقی، ۱۴۰۵ق: ج ۳۹۷/۵-۳۹۶) در قرن پنجم هجری و بعد از آن افرادی مانند ابنکثیر (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۱۲۲/۵) هستند؛ در حالی که عموم کتب معتبر و متقدم اهل سنت، اشارهای به این پنداره نکرده‌اند.

۲. مسأله شکایت از حضرت علی(ع) بیانگر چند نکته اساسی است: ریشه این امر در تنگنظری چهار نفر از صحابه داشت (طبرانی، بیتا، ج ۱۸، ص ۱۲۹-۱۲۸) و این شکایت، موجب غضبناک شدن و ایذاء پیامبر(ص) شد (هیثمی، ۱۴۱۴: ج ۱۲۸/۹) که خداوند در دنیا و آخرت، ایذاء کنندگان را لعنت میکند (احزاب/۵۷). پیامبر(ص) در برابر آن افراد به دفاع از حضرت علی(ع) پرداخت و فرمود: «علی، ولی تمام مؤمنان، بعد از من است» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ج ۴۸۷/۶). برخی از آن افراد مانند ابوسعید خدری (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲۲/۵) و عمرو بن شاس (مسند أحمد، ۱۴۲۱: ج ۳۲۱/۲۵) از آزار پیامبر(ص) عذرخواسته و تأکید کردند که دیگر در آشکار و نهان، از علی(ع) بدگویی نخواهند کرد. بر اساس عقل، مسأله‌های که میان چهار نفر از صحابه و حضرت علی(ع) ایجاد شده و پیامبر(ص) در مدینه، آن را با توییح آن چهار صحابه، پایان داده، دیگر نیازی به توضیحش در غدیر خم نبود و تعمیم بیان آن، منطقی به نظر نمی‌رسد.

۳. قرائن داخلی این حدیث نبوی(ص) - با جملاتی مانند «الست اولی بکم من انفسکم» آغاز شده و با جملاتی چون «الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمة (حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۲۰۱/۱)» پایان می‌یابد - و قرائن خارجی آن - مانند عرض تبریک به حضرت علی(ع) و بیعت با ایشان (الغزالی، ۱۴۲۴ق: ج ۱۸/۱) و نزول عذاب بر «حارث بن نعمان» که نسبت به

از جانب خدا بودن سخنان پیامبر(ص) در غدیر خم، تشکیک کرد(حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۲/۳۸۱) - با صرفِ رفع یک دلخوری، سازگار نیست. مسأله اساسی برپایی واقعه غدیر خم که پس از نزول آیه ۶۷ سوره مائده(ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۴/۹۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۲/۲۹۸) و آیه ۳ سوره مذکور(طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۵/۱۷۶؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ج ۱/۲۰۰) صورت پذیرفت، معرفی حضرت علی(ع) به عنوان جانشین پیامبر(ص) بود تا دین اسلام، کامل و امید دشمنان برای نافرجامی آن، مأیوس گردد.

## ۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با دغدغه تعمیق تحلیل تخصصی روش فهم خاورشناسان، به تحلیل نقادانه روش خانم دکاک در فهم حدیث غدیر پرداخت. داده‌های پژوهش، نکات معتناهایی از نقاط قوت و ضعف ماریا دکاک را به دست می‌دهد که تحلیل آنها، میتواند شاخصه‌هایی را به مخاطب عرضه دارد تا توانایی تحلیل روشمند آثار مرتبط از خاورشناسان را ارتقاء دهد. به رغم برخی نقاط قوت مانند استفاده از منابع معتبر فریقین، دقت در مؤلف کتاب مرتبط(الولایة)، پذیرش صحت صدور حدیث به دلیل شهرت میان شیعه و اهل سنت، عنایت بر نقش اقتضائات اجتماعی و مذهبی در شدت و ضعف نقل حدیث غدیر و ردّ معنای محبت و وراثت برای واژه «مولی»؛ مهمترین ضعف روش دکاک «عدم پایبندی کامل وی به روش تاریخ‌نگاری» است. اگر دکاک فارغ از هرگونه سوگیری کلامی-اعتقادی، حوادث رخ داده را از منابع فریقین، جمع آوری کرده و کنار هم قرار میداد، سیاق حوادث(اعم از رفتاری و گفتاری) او را از تحیر یا انحراف در تحلیل محتوای حدیث غدیر و جهت صدور آن، باز میداشت. این امر، او را از ادعاهایی چون کاستن سطح آن حادثه مهم از اعلام جانشینی پیامبر(ص) تا رفع کدورت میان تعداد انگشت شماری از مسلمانان و حضرت علی(ع)، عدم اطلاع همه مسلمانان از واقعه غدیر تا زمان جنگ صفین، نقل گونه‌های شاذ از روایات غدیر و نسخه‌های غیرمشهور از حدیث غدیر مشتمل بر نام تمام امامان(ع)، منصرف می‌کرد.

## کتاب‌نامه

ابن‌ابیحالدید، عبدالحمید(۱۴۰۴ق)، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل، قم، مکتبه آیتالله المرعشی.

واكاوى نقادانه روش ماريا دكاك در فهم حديث غدیر (مهيار خانى مقدم) ۷۷

ابنائير، مبارک بن محمد (۱۳۹۰ق)، جامع الأصول فى أحاديث الرسول، تحقيق عبدالقادر الأرئووط، بيجا، مكتبة الحلوانى - مكتبة دار البيان.

ابنائير، عزالدين (۱۳۸۵ق)، الكامل فى التاريخ، بيروت، دارصادر.

ابنحجر عسقلانى، احمد بن على (۱۴۱۵ق)، الاصابه فى تمييز الصحابه، تحقيق عليمحمد معوض، عادل عبدالموجود، بيروت، دارالكتب العلميه.

ابنحزم اندلسى، على بن احمد (۱۴۲۹ق)، حجة الوداع، تحقيق عبدالحق بن ملاحق، بيروت، دار ابنحزم.

ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، مسند، تحقيق عادل مرشد و ديگران، بيجا، مؤسسه الرساله.

ابن شعبه حرانى، حسن بن على (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تصحيح على اكبر غفارى، چاپ دوّم، قم، جامعه مدرسين.

ابن شهر آشوب، محمد بن على (۱۳۸۰ق)، معالم العلماء، نجف، مطبعه الحيدريه.

ابن حيون، نعمان بن محمد (۱۴۰۹ق)، شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار (ع)، تحقيق محمد حسيني، قم، جامعه مدرسين.

ابنقتيبه الدينورى، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۲ق)، الاختلاف فى اللفظ والرد على الجهيمه والمشبهه، تحقيق: عمر بن محمود، بيجا، دارالرايه الطبعه.

ابن كثير، اسماعيل بن عمر (۱۴۰۸ق)، البدايه و النهايه، تحقيق على شيرى، بيروت، داراحياء التراث العربى.

ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بيروت، دارصادر.

احمد بن حنبل (۱۴۲۱ق)، مسند أحمد بن حنبل، تحقيق شعيب الأرئووط، عادل مرشد، بيروت، مؤسسه الرساله.

اميرى، محمد مقداد (۱۳۹۰ش)، «غدیر خم در آثار پژوهشى انگليسى زبان غرب»، فصلنامه امامت پژوهى، شماره ۳، ص ۲۰۴.

امينى، عبدالحسين (۱۳۹۷ق)، الغدير، بيروت، دارالكتاب العربى.

آقابزرگ تهرانى، محمد محسن (۱۴۰۳ق)، الذريعه إلى تصانيف الشيعة، بيروت، دارالأضواء.

بلاذرى، احمد بن يحيى (۱۴۰۷ق)، انساب الاشراف، بيروت، دارالفكر.

بيهقى، ابوبكر (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوة و معرفة احوال صحاب الشريعه، تحقيق عبدالمعطى امين، بيروت، دارالكتب العلميه.

ثعلبى، احمد بن ابراهيم (۱۴۲۲ق). الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت، داراحياء التراث العربى.

جاحظ، عمرو بن بحر (۱۴۱۰ق)، البرصان و العرجان و العميان و الحولان، بيروت، دارالجيل.

حسكاني، عبيدالله (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق محمدباقر محمودى، تهران، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.

حلبى، على بن ابراهيم (۱۴۲۷ق)، السيرة الحلبية، مصحح عبدالله خليلى، بيروت، دارالكتب العلميه.

- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۳ش)، أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت، تحقیق محمد نجمی زنجانی، چاپ دوم، قم، الشریف الرضی.
- حموی، یاقوت (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، بیروت، دارصادر.
- حموی جونی، ابراهیم (۱۳۹۸ق)، فرائد السمطین، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت، مؤسسه محمودی.
- حمیری، عبدالله (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- دهلوی، عبدالعزیز (۱۳۷۳ق)، مختصر تحفه الاثنی عشریة، تحقیق: محب‌الدین خطیب، قاهره، مطبعة السلفية.
- دینوری، احمد بن داود (۱۳۷۳ش)، الأخبار الطوال، قم، الشریف الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تصحیح صفوان عدنان، بیروت-دمشق، دارالقلم-الدارالشامیه.
- السیوری، مقداد (۱۴۱۲ق)، الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة.
- شعیری، محمد (بیتا)، جامع الاخبار، نجف، مطبعة الحیدریه.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۶۴ش)، معالم الدین وملاذ المجتهدین، قم، انتشارات اسلامی.
- صدر، محمدباقر (بیتا)، دروس فی علم الأصول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأمالی، چاپ ششم، تهران، کتابچی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، انتشارات اسلامی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (بیتا)، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید، قاهره، مکتبه ابتهیمیة.
- طبری، محمد بن جریر (بیتا)، تاریخ الطبری، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تحقیق هاشم رسولی، تهران، المطبعة العلمیة.
- غزالی، محمد بن محمد، مجموعه الرسائل الامام الغزالی، دارالفکر، بیروت، بیتا.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۴ق)، سیرالعالمین وکشف ما فی الدارین، تحقیق محمد حسن وأحمد فريد، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۵ش)، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد، علوم اسلامی رضوی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
- فضاللة، محمد جواد (۱۳۸۲ش)، تحلیلی از زندگانی امام رضا علیهاالسلام، ترجمه محمدصادق عارف، مشهد، آستان قدس رضوی (ع).
- قندوزی حنفي، سلیمان (۱۴۱۶ق)، ینابیع المودة لذوی القربی، تحقیق سیدعلی جمال، قم، دارالاسوة للطباعة والنشر.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: یوسف اسعد، قم، مؤسسه دارالهجرة.



واکاوی نقادانه روش ماریا دکاک در فهم حدیث غدیر (مهیار خانی مقدم) ۷۹

مسلم بن حجاج (۱۲ق)، صحیح مسلم، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالکتب العلمیه.  
مفید، محمد بن محمد (۱۳ق)، الفصول المختارة (ب)، تحقیق علی میرشریفی، قم، کنگره شیخ مفید.  
نجاشی، احمد بن علی (۳۶۵ش)، الرجال، چاپ ششم، قم، جامعه مدرسین.  
نسائی، احمد بن شعیب (۲۱ق)، سنن الکبری، تحقیق حسن شلیبی، بیروت، مؤسسه الرساله.  
نصیبی، محمد بن طلحه (۱۹ق)، مطالب السئول فی مناقب الرسول، تحقیق عبدالعزیز طباطبایی،  
بیروت، مؤسسه البلاغ.  
نظری توکلی، سعید (۳۸۶ش)، «تاثیرپذیری نگرشهای کلامی از معاشناسی واژه «مولی»، فصلنامه  
مطالعات اسلامی، ش ۷۸، ص ۱۴۹-۱۴۸.  
نعمانی، محمد بن ابراهیم (۳۹۷ق)، الغیبه، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.  
هلالی، سلیم بن قیس (۴۰۵ق)، کتاب سلیم، تصحیح محمدانصاری، قم، الهادی.  
هیثمی، علی بن ابی بکر (۴۱۴ق)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، تحقیق حسامالدین القدسی، قاهره، مکتبه  
القدس.

Amir-Moezzi, Mohammad Ali ,Schmidtke.S (1997)» Twelver-Shi, ite resources in Europe: (The  
Shi, ite Collection at the Oriental Department of the University of Cologne, The Fonds  
Henry Corbin and the Fonds Shaykhi at the Ecole Pratique des Hautes Etudes (EPHE)« ,  
Journal A siatique.  
Berg, Herbert(2000), The Development of Exegesis in Early Islam: The Authenticity of Muslim  
Literature from the Formative Period, Curzon, Richmond/ Surrey.  
Dakake, Maria Massi(2007), The Charismatic Community Shi`ite Identity in Early Islam, State  
University, New York.  
Hegel, Georg Wilhelm Friedrich(2001),The Philosophy of History. With Prefaces by Charles  
Hegel and the Translator, J. Sibree, M.A, Batoche book, Canada.  
Madelung, Wilferd(1986), "Imama", in Encyclopedia of Islam, 2nd Edition, Vol. 3, Under the  
patronage of the International Union of Academies, Leiden, E. J. Brill.  
Nasr, Seyyed Hossein(2002), The Heart of Islam \_ Enduring Values for Humanity, New York.  
Refudeen ,Mohammed Awais(1998),» Phenomenology Versus Historicism: The Case Of  
Imamate« , The American Journal of Islamic, Number 2 .